



حزب حکمتیست (خط رسمی) و اتحاد عمل نیروهای چپ

همه روی میز ما آمده است. جواب روشن به این مسائل میتواند جبهه طبقه کارگر و مردم محروم را در مقابل راست تقویت کند. "اتحاد عمل پایدار نیروهای چپ" یا "شورای همکاری نیروهای چپ" در کردستان ظاهرا راه حل و جوابی است به این نیاز بطور ویژه در کردستان. مسئله ای که به نظر ما، مستقل از درجه امکان پذیر بودن آن، راه حل و جواب نیست و برعکس امیدی واهی را در جامعه دامن میزند که از کانسال این "اتحاد عمل" چپ قوی شده و قطب چپی را در مقابل جمهوری اسلامی شکل داده است.

برای روشن شدن مسئله اجازه بدهید به چند نکته عمومی اشاره کنم و بعد از آن بطور ویژه به این تلاش اخیر بپردازم. ... صفحه ۲

طبقه کارگر و کمونیستها، خود را برای تلاطمات بعدی آماده میکنند. ما برای تقویت این خیزش و تضمین پیروزی آن و بورژوازی برای به شکست کشاندن و سرکوب آن. دوره های پر تلاطم و بحرانهای انقلابی فقط طبقه کارگر و نیروهای آنرا به تحرک در نمی آورد، بلکه بورژوازی و نیروهای راست هم در چنین دوره هایی با شدت بیشتری برای نجات نظام شان تلاش میکنند. پس از خیزش دیمه ما شاهد تقابل حاد نیروهای سیاسی راست و چپ بر سر نحوه و چگونگی سرنگونی جمهوری اسلامی، بر سر آلترناتیوهای مختلف پس از جمهوری اسلامی هستیم.

عدم آمادگی همه نیروهای سیاسی منجمله ما کمونیستها در خیزش دیمه به اضافه جان گرفتن دوباره نیروهای راست و ارتجاعی که سنتا به دخالت دول غربی و منطقه چشم امید بسته اند، خطیر بودن اوضاع را ده چندان کرده و آمادگی برای ورود به دوره متحول پیش رو را در همه ابعاد آن در دستور ما گذاشته است. تقابل با طرح هایی مانند رفراندم و انتخابات آزاد، خطر قومی و مذهبی کردن مبارزه مردم علیه جمهوری اسلامی و سایر مخاطرات احتمالی در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی همه و

مقدمه: نشریه حکمتیست سوالات مطرح شده در رابطه با سیاست حزب در مورد مسائل سیاسی مختلف را تحت عنوان "از حزب حکمتیست میپرسند" با رهبری حزب، مسئولین حزب در تشکیلات های مختلف درمیان میگذارد. در این شماره یکی از این سوالات را با آذر مدرسی، دبیر کمیته مرکزی حزب، در میان گذاشته ایم.

سوال: پس از خیزش دیمه و روی میز آمدن سرنگونی جمهوری اسلامی دوباره مسئله اتحاد نیروهای چپ تحت عناوین مختلف طرح شده و اخیرا مسئله اتحاد عمل یا همکاری های پایدار میان نیروهای چپ در کردستان بعنوان پروژه ای برای تقابل با جریانات راست طرح شده است. نظر و سیاست حزب حکمتیست در این رابطه چیست؟

آذر مدرسی: همانطور که شما هم اشاره کردید پس از خیزش مردم در دیمه جامعه در اوضاع حساسی قرار گرفته و مبرمیت سرنگونی جمهوری اسلامی به مسئله اصلی جامعه تبدیل شده است. امروز دیگر همه از نزدیک شدن جمهوری اسلامی به پایان عمر خود حرف میزنند و نیروهای سیاسی مختلف، از بورژوازی و نمایندگان آن در جمهوری اسلامی، اپوزیسیون راست و دول غربی تا

رویدادهای سیاسی هفته

- ۱- نشست "گروه هفت"؛ کره شمالی و "پازل" ترامپ
- ۲- تیم فوتبال آرژانتین و اولین گل به دروازه ارتجاع
- ۳- اپوزیسیونی که مهر رویدادهای آتی را بر خود دارد

ثریا شهابی



۱- یکی از رویدادها: "ترامپ پس از پایان نشست کشورهای صنعتی گروه ۷ با ارسال یک توثیت رسما امضای خود را از زیر بیانیه پایانی این اجلاس پس گرفت." به این ترتیب نتایج نشست هفت کشور صنعتی با لگد پراکنی های "پساجلساتی" ترامپ بار دیگر دستخوش بحران شد! بار دیگر تمام تشریفات و تزیینات جلسات بین المللی سران قدرت های جهانی به فرمان ترامپ به مضحکه ای تبدیل شد! به این ترتیب بار دیگر سر زخم قدیمی معضل اصلی یعنی جدال در نحوه حفظ اتحاد "گروه هفت" و "معضل" حفظ "اتحاد" اروپا در مقابل آمریکا، معضل حفظ ناتو و همه اتحاد های پیشین در کمپ بورژوازی غرب، سرباز کرد! در سطحی عمیق تر، بحران در سنگرهایی است که در سیر جنگ اقتصادی آمریکا با سایر قدرت های اقتصادی و متحد دیروز و جنگ آمریکا با سایر قدرت های جهان و رقیب امروز، براف افتاده است.

یکی دیگر از رویدادها: "دیدار تاریخی" ترامپ و کیم جونگ اون، روز سه شنبه در جزیره سنتوسا برگزار میشود" و خیرگزاری دولتی کره شمالی از "تغییر زمانه" خبر داد! به این ترتیب پروژه تبدیل شدن "دو هیولا" دو دشمن خونخوار "دیروز به "دوستان تاریخی جدید" آغاز شد.

هرچند که ماهیت این دوستی هم به اندازه ماهیت دشمنی دیروزشان، ضد مردمی، ضد امنیت و رفاه و زندگی شهروندان هر دو کشور و شهروندان جهان است و نمی تواند عمر مفید طولانی داشته باشد. ... صفحه ۳

آزادی
برابری
حکومت کارگری

اتحاد عمل ...

طبیعی است که جامعه طیف وسیعی از نیروهای سیاسی را که به نام سوسیالیست یا طرفدار کارگر یا کمونیست حرف میزنند چپ میخواند. این چپ شامل نیرویی که دوره ای خاتمی چی و طرفدار دو خرداد بود، نیرویی که طرفدار دخالت امریکا در منطقه بود، نیرویی که برای "انقلاب ناتوی" در سوریه هلهله کشید و سبز بود، نیرویی که پرورنده قظوری از همکاری و تشکیل جبهه و ائتلافهای دوره ای با نیروهای ناسیونالیست کرد دارد، نیرویی که برای جنایات امریکا در موصل هلهله کشید تا ما کمونیستهایی که در مقابل همه این نیروها ایستاده ایم و بر سیاست کمونیستی خود پافشاری کردیم، میشود. شاید مردم علی العموم مجازند همه این نیروها را در طیف چپ قرار دهند اما ما بعنوان احزاب سیاسی مجاز نیستیم فاصله های سیاسی و اجتماعی عمیق خود را زیر این عنوان عمومی چپ نادیده بگیریم و چنین توهمی را دامن بزیم که این اختلافات خرد، ناچیز اند و چشم پوشی از آنها را نشانه بلوغ و درایت سیاسی اعلام کنیم. اصرار ما بر این مسئله نه از سر مته به خشخاش گذاشتن که تلاشی است برای شفافیت سیاسی و ممانعت از اغتشاش و سردرگمی در جامعه.

ببینید تفاوت زیادی هست بین همکاری های موردی تا "اتحاد عمل" و جمع شدن زیر چتر "اتحاد پایدار چپ" یا "شورای همکاری". ما هیچوقت نه فقط با همکاری های موردی چه در خارج کشور و چه داخل ایران مخالفتی نداشته ایم که در مواردی متبکر آن بوده ایم. ما

همیشه از دیالوگ رسمی و تبادل نظر میان نیروهای سیاسی استقبال کرده ایم. اما همانطور که گفتیم این با همکاری پایدار و اتحاد عمل تفاوت زیادی دارد. به اضافه اینکه تجربه بیست و چند سال گذشته بی نتیجه بودن این نوع "همکاریهای پایدار" را به همه نشان داده است.

ما معتقدیم تقویت صف مستقل طبقه کارگر، تقویت کمونیسم و چپ، در همان مفهوم عام آن، در مقابل راست نه از کانال نزدیکی سازمانها و احزاب سیاسی که به جنبشهای سیاسی مختلف تعلق دارند، بلکه از کانال تلاش برای متعهد کردن این نیروها به موازینی در دفاع از مدنیت جامعه در مقابل دخالت غرب در اوضاع، در مقابل قومی و مذهبی کردن مبارزه مردم، در مقابل خون پاشیدن به انقلاب مردم تحت عنوان "دخالت بشردوستانه"، برای تضمین اعمال اراده طبقه کارگر و مردم در سرنوشت خود، برای تضمین آزادیهای سیاسی، برای رفع تبعیض جنسی و قومی و مذهبی میگردد. این یک صفتی سیاسی و واقعی است و همزمان به بلوغ سیاسی جامعه کمک میکند.

به همین دلیل ما در دوره های مختلفی که مخاطراتی جامعه را تهدید کرده تلاش کرده ایم چنین سدی را ببندیم. بطور مثال در مقابل خطر حمله امریکا به ایران و حمایت نیروهای راست از آن، در مقابل جنگ نیابتی عربستان در کردستان ایران و پس از دیمهه برای مقابله با آلتزناتیوهای راست برای سرنگونی جمهوری اسلامی و تضمین اعمال اراده مردم در آینده جامعه، از همه نیروهای سیاسی دعوت کردیم

که یا با حمایت از پلاتفرمها و منشورهای ما یا از هر طریق دیگری که مناسب میدانند در مقابل نیروهای راست و ارتجاعی بایستند و فکر میکنیم این راه تقویت واقعی چپ، کارگر و مردم محروم در جامعه است. دعوتی که متأسفانه تا امروز بیجواب مانده است. بیجوابی که برای ما و هر کمونیستی در جامعه شاخص جدی بودن این نیروها در سد بستن در مقابل راست ارتجاعی و تقویت صف مبارزه طبقه کارگر و مردم محروم است.

در مورد پروژه اخیر "اتحاد عمل چپ در کردستان" یا "شورای همکاری نیروهای چپ در کردستان" فکر میکنم برخلاف ادعای سازمانهایی که این پروژه را پیش میبرند این طرح نه برای جواب دادن به نیاز مبارزه طبقاتی و پیشبرد مبارزه انقلابی طبقه کارگر و تقویت صف کمونیستها در مقابل ناسیونالیسم کرد که اساسا برای جواب دادن به نیازهای سازمانی این جریانها و بیجوابی و بی افقی است که امروز بر این چپ حاکم است. این اتحاد عمل قرار است سرپوشی باشد بر این معضلات.

کومله مهمترین سازمان در شکلگیری چنین اتحاد عملی است. پس از شکست تلاشهای رهبری آن برای ورود به بلوکهای احزاب ناسیونالیست راست و همزمان بی افقی و شکافهای جدی در میان احزاب ناسیونالیسم کرد در منطقه از یکطرف و خیزش دیمهه، به میدان آمدن طبقه کارگر و مردم محروم در خارج از کردستان و باز شدن افق سرنگونی از طرف دیگر تحت فشار است و باید

چپ بودن خود را ثابت کند و اعتبار از دست رفته را دوباره بدست بیاورد. عطف توجه کومله به نیروهای چپ در کردستان را باید در این واقعیت دید. فراموش نکنیم که این سازمان تا دیروز از هر نوع رابطه ای با کمونیستها و نه فقط با کمونیستها با نیروهای موسوم به چپ تحت عنوان "غیر اجتماعی" بودن آنها پرهیز میکرد.

یک حقیقت را باید مد نظر داشت و آن اینکه که احزاب سیاسی مستقل از ادعای خودشان به جنبشهای مختلف سیاسی - اجتماعی تعلق دارند. اتحاد عمل و ائتلاف و ... میان احزاب هم جنبشی امری کاملا طبیعی است. از این زاویه ما نه نزدیکی این جریانات و احزاب، ائتلاف و اتحاد عمل آنها را رد میکنیم و نه تقدی به آن داریم. اما همیشه بر اینکه این دوری و نزدیکی ها باید شفاف و روشن باشد تاکید کرده ایم. بالاخره باید کمونیستها و جامعه بدانند چه شد که این سازمان که مرتب مشغول دیپلماسی با جریانات ناسیونالیسم کرد بود امروز برای تقویت چپ در کردستان سراغ نیروهایی آمده که تا دیروز آنها را کوچک، غیر اجتماعی، بی تاثیر و ... می نامید. همینطور روشن باشد که چه اتفاقی افتاد که نیروهایی که تا دیروز کومله را بعنوان یک نیروی ناسیونالیست به رسمیت میشناختند امروز برای تقویت چپ سراغ اتحاد عمل میروند. سیاست علنی است، تغییر سیاست هم علنی است و باید شفاف و روشن دلایل این تغییر سیاست را توضیح داد. ما حداقل تلاش کرده ایم همیشه در

این رابطه روشن و بدون باز گذاشتن هیچ ابهامی سیاستهایمان را اعلام کنیم.

بهرحال ما خود را بخشی و یا عضوی از این خانواده چپ نمیدانیم و همانطور که گفتم فاصله سیاسی اجتماعی زیادی با این چپ داریم. این واقعیت را هر کارگر آگاه و کمونیستی میتواند به راحتی تشخیص دهد. اجازه بدهید همینجا به نقدهایی که به این پروژه میشود اشاره ای کوتاه کنم و حداقل فاصله خود را با این نقدها روشن کنم. در بخشی از این انتقادات اساسا کومله بدلیل شرکت آن در پروژه های ناسیونالیسم کرد مورد نقد قرار میگردد و اتحاد عمل یا همکاری پایدار میان سایر نیروها بخصوص نیروهایی که نام کمونیسم کارگری را بر خود دارند بعنوان آلتزناتیو مطرح میشوند. از نظر ما فاصله سیاسی و اجتماعی میان نیروهای منتسب به کمونیسم کارگری کمتر از فاصله با کومله نیست. به رسمیت نشناختن این فاصله های سیاسی و مخدوش کردن آن نه فقط به تقویت کمونیسم و چپ کمکی نمیکند که برعکس آنرا تضعیف میکنند.

همانطور که گفتم، در مقابل پروژه های "اتحاد عمل" و ... که اساسا برای جواب دادن به بن بستها و معضلات درونی این احزاب در جریان است، ما برای بوجود آوردن یک صف سیاسی رادیکال و کمونیستی و بستن سدی در مقابل هجوم راست، و هرچه قدرتمند تر کردن طبقه کارگر در جدالهای آتی و تضمین پیروزی آن در این پروسه سرنگونی جمهوری تمام تلاش خود را کرده و خواهیم کرد.

رویدادهای سیاسی...

چند قطبی است که قطب پیروز جنگ سرد، جز گنبدگی و عقب گرد و میلیتاریسم و گرو گرفتن نان و امنیت مردم جهان، راه پیشروی ندارد!

۳- لغو بازی دوستانه تیم ملی فوتبال آرژانتین با اسرائیل، آنهم تحت فشار بازیکنان تیم آرژانتین و در اعتراض به خشونت و کشتار مردم فلسطین توسط دولت اسرائیل، اولین گل سیاسی به دروازه ارتجاع در بازی های دوستانه پیشا جام جهانی فوتبال امسال است. نه تبلیغات ضدفلسطینی دستگاه پروپاگاندا دولت قوم پرست اسرائیل، نه کرشمه های ارتجاع اسلامی برای بهره برداری از این گل، نتوانست واقعیات پشت این رویداد را بپوشاند! ورزش و فوتبال و هنر را سیاسی کرده اید! این واقعیت را امروز و بخصوص در جهانی که صفی از قطب ها و قدرت های بزرگ میلیتاریستی و اقتصادی در جدال قدرت با هم هیچ مرز و محدوده ای، در تبدیل کردن مردم به گوشت دم توپ و گرو گرفتن نیازهای جامعه بشری را به رسمیت نمی شناسند، بیش از پیش صدف می کنند. در جهانی که در راس این جدال قدرت، افسار امثال ترامپ ها تماما رها شده است، تا با توسل به هر حربه و وسیله ای مانع دخالت قدرت از پایین شوند، این واقعیت را بیش از هر زمانی میتوان دید. هرگز به اندازه دهه های اخیر مسابقات هنری و موسیقی و فیلم و ورزش و جوایزی که در این رقابت ها تقسیم میشود، سیاسی و تابع معادلات قدرت نبوده است. اما آنچه که شورانگیز است این واقعیت است که در این میدان هم،

همچون همه میدان ها، صدای ارتجاع، تنها صدایی نیست که شنیده میشود! بشریت متمسدن، طبقه کارگر، محرومین در سراسر جهان، علیرغم ارباب و وحشتی که مثنی گانگستر سیاسی دست به ماشه، برفراز سر بشریت هرروز از جایی زنده نگاه میدارند، در حال قد علم کردن است. لغو بازی آرژانتین در اسرائیل، نه یک اقدام ورزشی، که یک گل سیاسی است به بهانه ورزش به دروازه ارتجاع ترامپ و نتانیاهو! ترکش این گل و این تعرض اما تنها به این دو ارتجاع محدود نمی شود! ارتجاع اسلامی در ایران و در خاورمیانه، دولت های دست راستی با برنامه های ریاضت اقتصادی و ضدپناهندگی و ضدکارگری شان در کشورهای غربی هم از آن در امان نخواهند ماند! این گل میتواند فطره ای از موج عظیم برگشتی باشد که به بهانه ورزش و فوتبال، هنر و ... در کنار اعتراضات وسیع طبقه کارگر و مردم محروم در سراسر جهان سربلند کند.

۳- آقای پهلوی در پیامی از مردم ایران خواست تا به اعتراضات و اعتصابات بیوندند چرا که به اعتقاد او "بیتفاوتی بخشی از مردم نسبت به خواسته های گروههای محروم و محذوف جامعه، خطایی است نابخودنی!" حمایت از طبقه کارگر و بخش های محروم این طبقه، کسانی که زیر فشار فقر و بیکاری و گرانی قادر به راست کردن کمر نیستند، شریک نداری سفره فقرا شدن، امروز شرط اپوزیسیون بودن در فضای سیاسی ایران در همه سطوح است. این را "افطار آخر" روحانی هم نشان داد. شکست های

پیبایی جنبش های دست راستی اپوزیسیون های درون و برون حکومتی ایران، عقیم ماندن انواع پروژه های "رژیم چینج" های ناتوی و آلترناتیو سازی از احزاب قوم پرست و ناسیونالیست فارس و کرد و ... و بخصوص شکست تحرکات برای اصلاح رژیم، شکست جنبش سبز که مکمل شکست دوخرداد بود، همه اپوزیسیون های بورژوازی، چپ یا راست، درون یا برون حکومتی، را از میدان بدر کرد. پس از افول جنبش سبز، حزب حکمتیست اعلام کرد که پولاریزاسیون شفافی در صحنه سیاست در ایران و در جدال طبقاتی در حال شکل گیری است. گفتیم که در ایران از این پس تنها و تنها یک آلترناتیو، و آن هم آلترناتیو طبقاتی حکومت برجای مانده است. همه هزیمت کردند! یا با روحانی و دولت اعتدال و امید عکس گرفتند و ساختند یا در حاشیه مانورهای ترامپ، بی افق سرگردان در حاشیه ماندند! تنها طبقه کارگر، محرومین و استثمار شونندگان اند که امکان سازش با نظام و حکومتی که سرپا بودن و بقا آن با ابتدایی ترین نیازهای زندگی آن خوانایی ندارد، در سنگر جدال با حاکمیت باقی ماندند! سازش بین طبقه کارگر، محرومین و استثمار شونندگان و به فقر و فلاکت و بی تامینی و بیکاری و عاملین آن، معلوم بود وجود نداشت و وجود ندارد! گفتیم که دو دشمن طبقاتی در میدان روی در روی هم قرار خواهند گرفت. امروز خیزش محرومین در دیماه، اعتراضات و اعتصابات پی در پی و کارگران معترض ای که به سادگی نه دست از سرشان

برمیدارند و نه عوامفریبی دشمن خارجی، خاک توی چشمانشان میباشد، به تنگ شان آورده اند. بیانات آقای پهلوی امروز در مورد مگر غیر از این میگوید! که اگر کسی در ایران بخواهد برای تغییر و بهبود و پیشرفت و پیشروی و آزادی و برابری، یا حتی "اصلاحات" ابراز وجود کند، ناچار است "بئر" مطالبات طبقه کارگر را بدست بگیرد! در این گره گاه است که افطار روحانی، افطاری که پیش از عروج جنبش محرومین مجلس ضیافت رسمی مثنی هنرمند اصلاح طلب ریاکار و دوخردادی و ... بود امسال توسط تعداد زیادی تحریم میشود و به "افطار آخر" معروف میشود. طبقه کارگر، باید صفی که فشار واقعیات آن را ناچار میکند که زیر بئر و پرچم او فعالیت کند، را درک کند. فشار قدرت خود بر روی دیگران را جدی بگیرد! به قدرت خود دست ببرد و برای آزادی و رهایی از بند اختناق و فقر و استبداد و استثمار، به نیروی خود قدرت سیاسی را بگیرد! دیگرانی که زیر پرچم این طبقه به حرکت در میایند، در بهترین حالت آرمانی جز بحرکت درآمدن چرخه تولید و استثمار و کار، و رشد و توسعه از این راه، ندارند. آرمانی که از پاکستان تا هند و بنگلادش و چین، در حال تمرین است! طبقه کارگر ایران، تنها با آرمان سوسیالیسم، رفاه و برابری، آزادی و حکومت کارگری، قادر است برای همیشه سایه فقر و نداری را از سر خود و خانواده اش بردارد! برای متحقق کردن این آرمان اما، طبقه کارگر باید به حزب کمونیستی خود، بپیوندد. حزب حکمتیست، حزب تحقق این آرمانها است! باید به آن پیوست!

نه قومی، نه مذهبی! زنده باد هویت انسانی!

شماره حکمت

حزب حکمتیست (خارسمی)

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللهی
fuaduk@gmail.com

تلگرام حزب
@HekmatistXateRasmi

تماس با حزب

دبیرخانه حزب
hekmatistparty@gmail.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی
azar.moda@gmail.com

مسول تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا
aman.kafa@gmail.com

مسول دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی
mozafar.mohamadi@gmail.com

در حاشیه کناره گیری چهار رفیق از حزب کمونیست کارگری عراق!

اخیرا و بدنبال پلنوم ۳۳ حزب کمونیست کارگری عراق و رای این پلنوم به اخراج رفیق فلاح علوان، رفقا موید احمد، ینار محمد، رشید اسماعیل و محمد شنان از حزب کناره گیری کرده اند. رهبری حزب حکمتیست (خط رسمی) با اطلاع از مسئله طی صحبتی با رفیق موید احمد درخواست دیدار حضوری با هدف یافتن راهی برای حل اختلافات شد که متاسفانه رفقا آنرا قبول نکردند. پس از علنی شدن کناره گیری این رفقا، رهبری حزب طی نامه ای علنی، خطاب به این رفقا و رهبری حزب کمونیست کارگری عراق، تقاضای کناره فوق العاده، به عنوان تنها راه قانونی حل اختلافات، را کرد که علیرغم استقبال حزب کمونیست کارگری عراق، این رفقا طی نوشته ای زیر

عنوان "جواب به پیشنهاد کناره فوق العاده حزب کمونیست کارگری عراق" به تاریخ سوم ژوئن ۲۰۱۸ این پیشنهاد را هم رد کرده و عملا تلاش برای حل اختلافات را به بن بست رساندند.

جوابیه رفقا در رد تقاضای کناره فوق العاده حاوی احکامی سنگین و اثبات شده در مورد حزب کمونیست کارگری عراق و رهبری این حزب، که رفقا تا زمان استعفا افتخار عضویت در آنرا داشتند، است. تنها نکته مستدل و روشن در جوابیه رفقا اعتراض به اخراج یک عضو کمیته مرکزی در پلنوم ۳۳ است. پلنومی که رفقا در همه مباحثات آن، منجمله رای گیری در مورد اخراج این رفیق شرکت کرده اند.

تصمیم این رفقا به استعفا در اعتراض به اخراج فلاح علوان، به بن بست رساندن همه تلاش ها برای حل مشکلات، و اتهامات سنگین علیه رهبری حزب کمونیست کارگری عراق نه تنها اقدامی مسئولانه و اصولی نیست، بعلاوه مغایر همه سنتها و موازین قانونی است که در جنبش ما

تثبیت شده است. همانطور که پیش از این اعلام کردیم کمک به انسجام و اتحاد سیاسی حزب کمونیست کارگری عراق یکی از مهمترین وظایف کمونیستی ما است و تضعیف حزب کمونیست کارگری عراق را تضعیف جنبش کمونیستی- کارگری در منطقه میدانیم. رابطه آتی حزب حکمتیست (خط رسمی) با این رفقا و سازمان احتمالی که شکل بدهند، تابعی است از سیاست و پراتیکی که این رفقا در مبارزه طبقاتی اتخاذ میکنند. طبیعتا مقابله با حملات هیستریک ضد کمونیستهایی که به نام دفاع از این رفقا علیه کمونیسم کارگری، رهبری حزب کمونیست کارگری عراق و منصور حکمت میشود شاخص جدی در ارزیابی از امروز و آینده این رفقا است.

به امید اینکه این رفقا را در کنار خود داشته باشیم.

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست (خط رسمی)

۱۱ ژوئن ۲۰۱۸

رفاه و آزادی بدون احساس امنیت. بدون زندگی در شرایطی امن. که در آن شهروندان در هراس از فقر، جنگ و تخریب. و بدون هراس از بدتر شدن اوضاع. به هر سرنوشتی که سرمایه برای آنها رقم میزند تسلیم نشوند. ممکن نیست. بدون احساس امنیت و برخورداری از امنیتی سالم و انقلابی. که در دل آن شهروندان بتوانند رفاه و آزادی را تجربه کنند. تحقق مطالبات بر حق مردم ممکن نیست.

مرکب بر جمهوری اسلامی زنده باد سوسیالیسم